

«نامه ماهانه ادبی ، تاریخی ، علمی ، اجتماعی»

شماره - نهم

آذرماه

۱۳۵۱

# اکنون از ما

سال پنجاه و چهارم

دوره - چهل و یکم

شماره - ۹

تأسیس بهمن ماه - ۱۲۹۸

( مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی )

( صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحیدزاده دستگردی - نسیم )

( دبیر اول : محمد وحید دستگردی )

م . اورنگ

## باز هم آویستا

واژه آویستا در میان پژوهندگان پرسش و گفت و گو پدید آورده . یعنی میخواهند بدانند این واژه درست است یا واژه اوستا که در بیشتر نوشته های وابسته به آئین ایران باستان یاد شده .

من تا چند سال پیش با پیروی از برخی نویسنده گان واژه اوستا را به کار میبردم ، ولی پس از پژوهش و موشکافی چون دریافتم که این واژه بمعنی بی دانشی است و درخور سرودهای دینی آئین زردشت نمی باشد و ریشه درست آن به پیکره آویستا بوده که بمعنی دانش و نمودار دانشنامه است ، این بود که از بکار بردن آن خودداری کردم و واژه زیبای آویستا را در نوشته های خود

آوردم و چگونگی را نیز در برخی از مجله‌ها نوشتم و به آگاهی پژوهنده‌گان رساندم. اگرچه برخی از کسانی که با واژه اوستا خوی گرفته‌اند به این بهره‌گیری من روی خوش نشان‌دادند، اما نتوانستند از روی گواهی‌های دانشی درباره‌ درست بودن واژه اوستا چیزی بنویسند. تنها در پشت سر به خورده‌گیری پرداختند. یگانه کسیکه در این باره گفتاری در مجله‌ارمغان چاپ کرد، دانشمند گرامی آقای موبد فیروز آذرگشسب بود. در گفتار ایشان هم چیزی به چشم نمی‌خورد که استوار بودن پایه‌ واژه اوستا را برساند، بلکه کمی بی‌مهری کرده و تند شده بودند از اینکه من چرا بجای واژه اوستا که مردم با آن خوی گرفته‌اند واژه آویستا را به کار برده‌ام.

با آنچه گفته شد این داستان در میان پژوهندگان به گفت و گو و پژوهش و موشکافی و داوری و رایزنی کشید. گروهی که پیرو بهره‌گیری پژوهشی و دانشی هستند، واژه آویستا را پذیرفتند و به کار بردند. گروه دیگر به همان واژه اوستا ساختند و بنام اینکه مردم با آن خوی گرفته‌اند، در گفت و گوها و نوشته‌های خود آوردند. شاید هم از ترس خورده‌گیری این راه را دنبال کردند و نتوانستند واژه آویستا را بپذیرند و به کار ببرند. سخن کوتاه اینکه این داستان کش پیدا کرد و اکنون هم گروهی در این باره پرسشها میکنند و میخواهند بدانند کدام یک از این دو واژه درست است تا آنرا به کار ببرند. همچنانکه داستان واژه‌امرداد و مرداد چندین ماه دنبال پیدا کرد و در میان پیروان هر یک از این دو واژه گفت و گوها و نامه نگاریها پدید آورد و سرانجام کار گروهی واژه‌امرداد را که نمودار جاودانی بودن میباشد پذیرفتند و دسته‌ای دیگر همان واژه‌مرداد را درست پنداشتند و به کار بردند.

با یادآوریهائی که شد، بایسته دیدم بار دیگر در این باره به گفت و گو

پردازم و گواهی‌هایی برای درست بودن واژه آویستا و نادرست بودن واژه اوستا بیاورم و داوری را به خود خواننده گان و پژوهنده گان واگذار کنم . نخست باید بدانیم واژه اوستا چه اندازه پیشینه دارد و چه زمانهائی به کار برده می‌شده . نوشته‌های باستانی نشان می‌دهد که پیشینه چندانى ندارد و در نامه‌های دانشمندان پهلوی هم واژه‌های گوناگون دیگری برای سرودهای دینی زردشت به کار میرفته است . مانند واژه‌های : استا ، ابستا ، وستا ، افستا ، اویستاك ، اوستاك ، اوستا ( *Ovests* ) ، اوپستا ، اپستاك . در میان زردشتیان یزد و کرمان واژه وستا به کار می‌رود که واژه درست و ریشه دار است . زیرا کوتاه شده واژه ویستا . بمعنی دانش است . از نامهای گوناگونی که در نوشته‌های پهلوی یاد شده . چنین برمی‌آید که در آن زمان برای این نبشته کهن دینی نام ویژه‌ئی نداشته‌اند و هر دسته‌ای بنامی آنرا می‌خوانده‌اند .

باگفت و گوهائی که کردیم ، واژه اوستانه پیشینه زیادی دارد و نه دارای معنی درست است و در هیچکدام از بخشهای سه گانه آویستا ( یسنه ، ویسپرد ، یشتها ) هم چنین واژه‌ئی دیده نمی‌شود و آشکارا پیداست که کوتاه شده واژه آویستا میباشد و با این پیکره معنی بی دانشی را می‌رساند .

واژه اوستا از دوتیکه پیوند یافته . نخست : (ا) بمعنی های : (بی ، نا ، نه) که در جلو واژه می‌آید و معنی آنرا وارونه می‌سازد . دوم : (وستا) که کوتاه شده ویستا بمعنی دانش است . از ریشه وید بمعنی دانستن .

با بهره گیری از این بررسی‌ها واژه اوستا آشکارا معنی بی دانشی را می‌رساند و آنچنان نام زیبا و پرمغزی نیست که درخور پایه ارجمند سرودهای دینی زردشت باشد . مانند واژه اویستی (*Evistis*) در بند ۹ بخش ۳۴ یسنه که موبد فیروز آذرگشسب در رویه ۴۹۲ ترجمه گاتها (گاتاها) آنرا بمعنی های بی دانشی

و ناآگاهی آورده . یعنی این واژه همانجوری که ایشان نیز نوشته‌اند ، ازدو تیکه درست شده . نخست ( $\epsilon = \rho$ ) بمعنی‌های : (بی ، نا ، نه) . برابر است با :  $a =$  ) بهمان معنی‌ها .

دوم : (ویستی) برابر واژه ویستا که از ریشه وید بمعنی دانستن است . در فرهنگ پهلوی هم به اینگونه واژه‌ها برمیخوریم . مانند (اویستاخو) بمعنی ناستوار . همچنین است واژه (اویستاخویه) بمعنی ناستواری .

این دو واژه همانجوریکه فرهنگ پهلوی نیز نشان میدهد ، از دو ریشه ویستاخو و ویستاخویه بمعنی‌های استوار و درست و استواری و درستی و به راستی و درستی کسی دلگرمی داشتن است . واژه ( $\rho = a$ ) در جلو آنها بمعنی - های : (بی ، نا ، نه) میباشد و برای همین است که معنی‌ها را وارونه یا دگرگون ساخته .

تا اینجا بررسی درباره ریشه و معنی واژه اوستا بود . اکنون میپردازیم به گفت و گو درباره واژه دانستی آویستا که برخی از پژوهنده‌گان با آن میانه خوبی ندارند . خوشبختانه این واژه در خود سرودهای دینی ریشه استوار و شاخه‌های زیادی دارد که همه آنها بمعنی دانش را میدهند و با واژه آویستا هماهنگ میباشند .

درفرنگ آویستا به واژه وید برمیخوریم که بمعنی دانستن و آگاه شدن است .

از این ریشه شاخه‌هایی جدا میشود که نمودار دانش هستند . مانند واژه‌های : ووئیستا ، ووئیسته ، ویستو ، واژه ویستا در بند ۲ بخش ۴۸ یسنه آمده . در پشت سر واژه وید ، به واژه آوید برمیخوریم که همان معنی را استوارتر نمایان میسازد . یعنی در اینجا واژه (آ) که پیشاوند و پشتوانه است ،

در جلو واژه وید آمده و از این دوتیکه به هم پیوسته شاخه هائی جدا شده که همه آنها با واژه آویستا هماهنگی دارند. مانند واژه‌های: آویستو، آویستم (Avistem). با سخنانی که گفته شد، در این بررسی‌ها به دو ریشه (آ) و (ویستا) برخورد کردیم که واژه نخست بجای پستوانه و دومی هم بمعنی دانش است و رویهم رفته دانش و دانستی و دانشنامه را می‌رسانند و با سرودهای دینی و دانشی زردشت که برآستی دانشنامه یا ویستانامه و آویستانامه است بخوبی جور می‌آید. از اینها که بگذریم، در بند ۳ کرده ۹ و سپهرد به واژه آویسته به و برمیخوریم که از ریشه آویستی بمعنی دانش و آگاهی است. اینها که گفته شد، پیشینه‌های استوار و روشن است برای درست بودن واژه آویستا.

اکنون پژوهنده‌گان گرامی در رأی خود آزاد هستند و هر کدام از دو واژه آویستا یا اوستاراکه بخواهند می‌توانند برگزینند و به کار ببرند. ولی فرمان دانش این است که باید راست و درست را برگزید و از لغزش و نادراست دوری کرد. همچنانکه دانایان پاکدل این کار را می‌کنند و از گرایش به بیراهه دوری می‌جویند. در اینجا باید برای نمونه از باستان‌شناس نامی آقای علی سامی استاد دانشگاه شیراز یاد کنم و اندیشه بلندشان را بستایم.

در یکی از سخنرانی‌های وزارت فرهنگ و هنر که آبانماه سال ۱۳۵۰ در تالار فرهنگ فراهم آمده بود، یکی از جوانان در باره واژه آویستا از من پرسش کرد. من هم همانجوری که در اینجا نوشته‌ام پاسخ دادم. آقای سامی هم در آنجا بودند. روز دیگر دانسته شد ایشان این واژه را پذیرفته‌اند و آنرا در سخنرانی خود به کار برده‌اند که چگونگی سخنرانی‌شان در روزنامه‌ها چاپ شده بود. بلی این است شیوه پژوهنده بیدار دل و راهجو.

تا اینجا گواهی‌های بوداز نیشته‌های آئین کهن درباره واژه زیبای آویستا.

اکنون گواهی‌هایی هم از برخی نویسنده‌گان می‌آوریم .

جای ژرف‌بینی است که همهٔ نویسنده‌گان و چاهمه‌سرایان کرد در نوشته‌ها و سروده‌های خود واژهٔ آویستا را به‌کار برده‌اند و آنرا نموداری از گویش کردی کهن دانسته‌اند . یعنی آنان می‌گویند زردشت از دودمان کرد بوده و سرودهایش نیز که بنام آویستا می‌باشد ، با گویش کردی کهن است .

از این نوشته‌ها و سروده‌ها میتوان دیوان کردی قانع و فرهنگ کردی خال‌گرد آوردهٔ شیخ محمد خال و همچنین فرهنگ کردی مهاباد فراهم ساخته ، شادروان گیومکریانی را نام برد . در کتاب ایران باستان شادروان پیرنیا به این واژه برمی‌خوریم . شادروان احمد پژوه نیز همین واژه را در نوشته‌های خود می‌آورد . گرچه بازهم در این باره گواهی‌هایی داریم ، ولی همین اندازه که گفته شد ، برای ژرف‌بینان روشندل و دادگرسنده می‌باشد . در پایان باید یاد آور شوم که اوستاگرایان می‌گویند سالهاست مردم با این واژه‌خوی گرفته‌اند . چه نیازی هست که آنرا رها کنند و به‌خود رنج داده واژهٔ آویستا را یاد بگیرند . در پاسخ این سخن باید گفت واژهٔ مرداد بیش از هزار سال است که در نوشته‌ها پیشینه دارد و در شاهنامهٔ شادروان فردوسی توسی هم آمده است . پس چرا از سوی گروهی از دلبستگان به فرهنگ کهن دربارهٔ برگرداندن آن به پیکرهٔ درست امرداد این همه سروصدا انجام شد و گفت و گوها و نامه‌نگاریهای نبردآمیز در روزنامه‌ها و مجله‌ها پدید آمد ؟ هر آینه می‌بایست چنین هم باشد . زیرا شیوهٔ دانش ، پژوهش و موشکافی برای پی‌بردن به‌راست و درست و رها کردن و پشت‌سر گذاشتن لغزش و نادرست و دوری کردن از پیروی کورکورانه است . تا خواننده‌گان گرامی چه بگویند و چگونه داوری کنند .